

سیاست عدالت و دوستی مدنی

●
صیانت از نهاد انس؛ عامل اساسی ارتقای
سرمایه اجتماعی دولت

● ● ●
محسن جبارنژاد /
پژوهشگر فلسفه سیاسی



جامعه مدنی در اندیشه غرب

سرمایه اجتماعی طی دو دهه اخیر، به مفهومی پرکاربرد تبدیل شده است. شکل‌گیری این مفهوم، واکنشی به جنبه‌های منفی فردگرایی در گفتمان لیبرالیسم و نیز چاره‌ای برای بحران جوامع آنومیک بوده است. این‌که چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را تولید کرد و بر بحران فردگرایی منفی فائق آمد، خود البته، پرسشی مهم است. پاسخی که در تفکر مدرن به این پرسش داده می‌شود، از جمله ایده «جامعه مدنی» است؛ با این توضیح که جامعه مدنی، در واقع نهادی میانجی تلقی می‌شود که روابط افراد جامعه را تنظیم می‌کند و از طریق تعامل و توافق جمعی از «گسیختگی اجتماعی» جلوگیری می‌کند؛ بنابراین، ایده جامعه مدنی را می‌توان هسته تکوین سرمایه اجتماعی در تلقی غربی آن دانست؛ چراکه این ایده در درون خود حاوی مفاهیم، معاشرت، فرهنگ توافق و مسئولیت مدنی و اجتماعی است و چنین استدلال می‌شود که این عوامل به نوبه خود، تولیدکننده سرمایه اجتماعی و بستر ساز حل بحران آنومی جوامع جدید است. در چارچوب این مفهوم، چنین فرض می‌شود که شبکه‌ای از روابط داوطلبانه میان افراد شکل می‌گیرد و به واسطه آن اعتماد و همبستگی میان اعضا جامعه توسعه می‌یابد و از تفرّد و آسیب‌های آن عبور می‌شود. دلالت معنایی سرمایه اجتماعی مبتنی بر جامعه مدنی، با مفهوم «دوستی» نیز ربط وثیق دارد. به این معنا که